## فهرست مطالب

[فهرست مطالب 2](#_Toc425239860)

[خطبه اول 2](#_Toc425239861)

[بحثی پیرامون مباهله 3](#_Toc425239862)

[اختلافات فکری مسلمان‌ها و مسیحی‌ها 4](#_Toc425239863)

[ابعاد اعتقادی مباهله 7](#_Toc425239864)

[خطبه دوم 8](#_Toc425239865)

[دوازدهم فروردین، روز جمهوری اسلامی 9](#_Toc425239866)

[نکاتی پیرامون ایام عزاداری امام حسین(ع) 10](#_Toc425239867)

## خطبه اول

**بسم الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِکْرِهِ وَ سَبَباً لِلْمَزِیدِ مِنْ فَضْلِهِ وَ دَلِیلًا عَلَی آلَائِهِ وَ عَظَمَتِهِ[[1]](#footnote-1)**

**ثم صّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبی القاسم محمّد (ص) و علی آله الأطیبین الأطهرین سیّما بقیّة الله فی الأرضین أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی الله** **و ملازمة أمره و مجانبة نهیه تجهّزوا عباد الله** **فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزودوا فإن غیر الزاد التّقوی**

## بحثی پیرامون مباهله

مباهله که واقعه روز 24 ذی الحجه بود یکی از ادلّه‌ای است که علمای شیعه برای فضیلت و برتری اهل‌بیت یعنی مولا امیرالمؤمنین(ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و حضرت زهرا (س) به آن تمسّک کرده‌اند و مثل بسیاری از حوادث و وقایعی که شیعه با استناد به آیات و روایات و تاریخ و کتاب‌های اهل تسنّن بر مسئله ولایت و اهل بیت استشهاد کردند قضیه مباهله هم یکی از همین‌ها است.

آیه 61 سوره آل عمران آیه‌ای است که به مناسبت واقعه مباهله نازل شد: **«أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم** **فَمَنْ حَآجَّک فِیهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءک مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْاْ نَدْعُ أَبْنَاءنَا وَ أَبْنَاءکمْ وَ نِسَاءنَا وَ نِسَاءکمْ وَ أَنفُسَنَا و أَنفُسَکمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَةُ اللّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ»[[3]](#footnote-3)**

ای پیامبر بعد از آن که در مورد مسیحیت و داستان خلقت حضرت عیسی آگاه شدی اگر بعضی از مسیحیان علیرقم استدلال محکم و روشنی که در مورد قضیه حضرت مسیح داری باز هم لجاجت به خرج دادند به آن‌ها اعلام بکن ما فرزندان و زنان و خودمان را می‌آوریم شما هم فرزندان و زنان و خودتان را بیاورید، بعد به سوی خدا دست دراز کنیم و تضرّع کنیم و نفرین کنیم به کسی که دروغگو است و از خدا برای او طلب عذاب کنیم.

یک وقتی است که دو طرف در یک مسئله اعتقادی با هم مباحثه می‌کنند و یک وقتی است که بحث به جایی نمی‌رسد، اینکه که به جایی نمی‌رسد دو صورت دارد، یکی اینکه این‌طور نیست که یک طرف حق مطلق باشد و دیگری باطل مطلق باشد و یا اگر این‌طور است طرفی که نفی می‌کند واقعاً نفهمیده است نه اینکه لجبازی بکند، اما گاهی یک مسئله‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد و هر دو طرف به حق پی برده‌اند اما طرف نفی‌کننده تن به حق نمی‌دهد و لجاجت به خرج می‌دهد، در این صورت مباهله واقع شده است یعنی انبیاء، اولیاء و پاکان درگاه خدا در یک شرایطی این‌طور تشخیص می‌دهند که مباهله بکنند.

مباهله مقدماتی داشت یعنی دو نفر مثلاً چند روز روزه می‌گرفتند و نمازی می‌خواندند، بعد هم در یک بیابان و یک نقطه مقدسی جمع می‌شدند، می‌گفتند ما همه حرف‌هایمان را زدیم حالا به خدا واگذار می‌کنیم و از او می‌خواهیم که هر کسی که سخنش باطل است در همان مکان مورد عذاب و غضب خدا قرار بگیرد. طبق بعضی از روایات بعضی از افراد به خاطر همین مباهله مسخ شدند.

## اختلافات فکری مسلمان‌ها و مسیحی‌ها

مسیحی‌ها در پذیرش حق نسبت به یهودی‌ها نرم‌تر و ملایم‌تر بودند، خود مسیحی‌ها هم متفاوت بودند، عده‌ای از آن‌ها وقتی که حضرت عیسی رسالت پیامبر بزرگ اسلام (ص) را مژده دادند و وقتی پیام رسول خدا به گوش آن‌ها خورد و حق را یافتند ایمان آوردند، یک عده‌ای هم لجاجت کردند.

یکی از اختلافات فکری میان مسلمان‌ها و مسیحی‌ها در مورد حضرت عیسی است، در چندین آیه قبل از آیه مباهله راجع به قضیه حضرت مریم و تولد حضرت عیسی و خلقت حضرت عیسی و امثال آن آمده است که از آیه 50 سوره آل عمران شروع می‌شود و تا آیه 61 ادامه دارد.

اصل اختلاف مسلمان‌ها و مسیحیان در مورد حضرت عیسی این مسئله است که مسلمان‌ها با توجه به آیات قرآن معتقد هستند که حضرت عیسی یک تولد معجزه‌آسا داشت و از یک پدر متولد نشد بلکه از یک مادر پاک متولد شد یعنی در واقع حضرت مریم ازدواج نکرد و با اراده خداوند حامله شد، ایشان یک زن بسیار ممتاز بود، دارای مقام عصمت بود و همچون حضرت خدیجه، حضرت زهرا و آسیه جزء برترین زن‌های عالم بود.

مسلمان‌ها معتقد هستند که حضرت عیسی نه خدا است و نه فرزند خدا است بلکه بنده‌ای از بندگان خدا است اما بنده‌ای پاک و معصوم و واسطه بین خدا و خلق خدا است که در روزگاری مبعوث شد و در چند قرن رسالت دین او برای مردم اعتبار داشت و رسالت او با رسالت پیامبر اسلام حضرت محمد ابن عبدالله (ص) خاتمه یافت، همچنین حضرت عیسی از دید مسلمان‌ها همچون امام زمان (عج) زنده است.

مسیحی‌ها حضرت عیسی را فراتر از حد انسان بردند و به مقام الوهیت یا فرزند خدا رساندند، در حالیکه مسلمان‌ها پیامبر گرامی اسلام را که افضل مخلوقات عالم و برترین موجودات عالم است را بنده‌ای از بندگان خدا می‌دانند.

اختلاف بعدی بین مسلمان‌ها و مسیحی‌ها در مورد درگذشت حضرت عیسی است، آن‌ها می‌گویند حضرت عیسی به دار کشیده شد، ولی مسلمان‌ها معتقدند که **«** **وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ [[4]](#footnote-4)»**، او را نکشتند بلکه ایشان به آسمان پرواز کرد و مثل امام زمان (عج) زنده است و وقتی امام زمان ظهور پیدا می‌کنند، حضرت عیسی هم می‌آیند و پشت سر ایشان نماز می‌خوانند.

یکی از مخاطبین رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) از ابتدای بعثت مسیحی‌ها بودند و به مردم اعلام می‌کردند که من مسیح را قبول دارم، او پیامبر بزرگ الهی بود، او دارای دین آسمانی بود منتها با پیامبری من دوره پیامبری او به پایان رسید و خاتم انبیاء من هستم. طبعاً گروهی از مسیحی‌ها بعد از مشخص شدن حقانیت اسلام دست از لجاجت برداشتند و همراهی کردند، عده‌ای هم همراهی نکردند.

اختلاف بعدی این است که مسلمان‌ها معتقدند که حضرت عیسی دارای کتاب بودند منتها این کتاب تحریف شده است و آن کتاب اصلی که بر او نازل شد امروز باقی نیست ولی آن‌ها می‌گویند این همان کتاب اصلی است گرچه اواخر خودشان به تدریج پسندیدند که این شبیه کتاب اصلی نیست.

در آیات سوره آل عمران استدلال‌ها و نشانه‌هایی از حضرت عیسی مطرح شده است**، «إِنَّ مَثَلَ عِیسَی عِنْدَ اللَّهِ کمَثَلِ آَدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ[[5]](#footnote-5)»** درست است که حضرت عیسی با اعجاز الهی پدر نداشت اما این مسئله او را به خدایی نمی‌رساند حداکثر مانند حضرت آدم است که او هم از پدر به آن معنا متولد نشد.

وقتی دربار نجاشی پادشاه حبشه از حضرت جعفر صادق (ع) سؤال کرد که شما چه می‌گویید ایشان آیاتی را خواند و نجاشی که مسیحی بود گفت این‌ها حق است و درست است، من هم به آن‌ها اعتقاد دارم و مسلمان شد، در بعضی نقل‌های تاریخی هم دارد که وقت رحلت او پیغمبر اسلام از دور بر او نمازی خواند و طلب مغفرت کرد.

آنچه که در ذیل این آیه و در تاریخ نقل شده است این است که پیغمبر اسلام طبق برنامه‌ای که برای دعوت جامعه بشری به سوی اسلام و معارف اعتقادی داشتند نامه‌ای به مسیحی‌های اهل نجران نوشتند: بسم الله إله ابراهیم و اسحاق و یعقوب، به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب.

و بعد می‌فرماید: **«****فَاِنّی اَدْعُوکمْ اِلَی عِبادَة اللهِ مِنْ عِبادَة الْعِبادِ[[6]](#footnote-6)»** من به عبادت خدا و به رسالت خودم شما را دعوت می‌کنم، مسیحی‌ها گروهی را به محضر رسول خدا اعزام کردند تا ببینند سخن پیامبر (ص) چیست، پس از بحث‌هایی که کردند نهایتاً فهمیدند که ایشان حرف حق را می‌زند ولی لجاجت به خرج دادند.

آیه 61 سوره آل عمران در چنین شرایطی بر پیامبر اسلام نازل شد: **«فَمَنْ حَآجَّک فِیهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءک مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْاْ نَدْعُ أَبْنَاءنَا وَ أَبْنَاءکمْ وَ نِسَاءنَا وَ نِسَاءکمْ وَ أَنفُسَنَا و أَنفُسَکمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَةُ اللّهِ عَلَی الْکاذِبِین[[7]](#footnote-7)»** به کسانی که بعد از روشن شدن حقیقت در باب حضرت عیسی و خلقت او باز هم عناد می‌ورزند و لجاجت می‌کنند بگو ما برای مباهله حاضر هستیم، ما و فرزندانمان، شما و فرزندانتان، زنان ما و زنان شما، خود ما و خود شما در روزی جمع می‌شویم و از خدا می‌خواهیم که هر کسی حرف باطل می‌زند عذاب بر او وارد شود.

بعد از این دستور سه روز طول کشید، حضرت آمادگی‌هایی پیدا کردند، چند نفر هم بیشتر نبودند، از بین همه مسلمان‌ها خود پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع)، فاطمه زهرا (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بودند.

اینکه در قرآن آمده است که ما فرزندانمان را می‌آوریم مفسّرین می‌گویند که منظور همان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بودند، زنان از قبیله پیامبر فقط فاطمه زهرا (ع) بودند و أنفسنا و خود ما هم منظور امیرالمؤمنین بود چرا که ایشان با پیغمبر فرقی نداشت جزء اینکه نبوت نداشت.

مسیحیان وقتی از دور دیدند که این پنج نفر می‌آیند دلشان لرزید و فهمیدند مباهله شوخی نیست، کوتاه آمدند و گفتند ما اهل مباهله نیستیم اما گفتند ما مسلمان نمی‌شویم و پیغمبر هم قبول کرد.

## ابعاد اعتقادی مباهله

1. اصل بحث مسلمانان و مسیحیان و اختلافی که مسلمان‌ها با مسیحیت دارند، این مباهله نشان داد که اعتقادات مسلمان‌ها در برابر مسیحی‌ها به حق بود، اینکه می‌گویند مسیح فرزند خدا و مقام الوهیت ندارد بلکه عبدی از عباد خدا است، اینکه می‌گویند مسیح پیامبر بزرگ اولوالعزم است و خاتم الأنبیاء نیست، اینکه می‌گویند حضرت مسیح زنده است و کتاب موجود انجیل تحریف است.
2. بحث شیعه و سنّی؛ این آیه مقامی برای اهل بیت و همان چند نفر قائل بود، این که وقت مباهله پیامبر فقط آن چند نفر را آوردند نشان‌دهنده جلالت مقام آن‌ها است که هیچ کس دیگری در حدّ آن‌ها نبود؛ حضرت امام رضا (ع) در یکی از مجالس مناظره‌ای که مأمون برپا کرده بود به همین آیه مباهله اشاره می‌کنند و اینکه پیغمبر خدا (ص) با اینکه امام حسن و امام حسین (ع) فرزندان پسری ایشان نبودند گفت که این‌ها فرزندان من هستند، این خیلی مقام بالایی است، و اینکه امیرالمؤمنین نه مانند پیامبر است بلکه خود پیامبر است و هیچ کس به این مقام نرسیده است.

اصل این داستان در کتاب‌های متعدد اهل سنّت آمده است و طبق تعابیری که بزرگان ما همچون مرحوم علامه طباطبایی دارند بیش از پنجاه حدیث و سند از این قضیه نقل شده است که اهل کساء بودند که پیامبر با آن‌ها مباهله کرد.

**بسم الله الرّحمن الرّحیم إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ ﴿۱﴾ فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ ﴿۲﴾ إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الأبْتَرُ ﴿۳﴾[[8]](#footnote-8)**

## خطبه دوم

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرحمن الرحیم نَحْمَدُهُ عَلَی مَا کَانَ وَ نَسْتَعِینُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَی مَا یَکُونُ[[9]](#footnote-9) و نؤمن به و نتوکل علیه نستغفره و نستهدیه الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی** **جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحا لِذِکْرِهِ و سبباً للمزید من فضله** **و دلیل علی آلائه و عظمته[[10]](#footnote-10) ثم الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم محمّد (ص) و علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب و علی الصّدیقة الطاهرة فاطمة الزّهراء و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب أهل الجنّة و علی أئمّة المسلمین علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن ابن علی و** **الخلف القائم** **المنتظر (عج) ساسة العباد و أرکان البلاد و أبواب ایمان و أمناء** **الرّحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم** **یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[11]](#footnote-11) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی الله اِعلَمُوا عِبادَ اللّه أَنَّ علَیکُم رَصَدا مِن أنفُسِکُم، و عُیُونا من جَوارِحِکُم و حُفَّاظَ صِدْقٍ یَحفَظُونَ أعمالَکُم و عَدَدَ أنفاسِکم لا تَستُرُکُم مِنهُم ظُلمَةُ لَیلٍ داجٍ و لا یُکِنُّکُم مِنهُم بابٌ ذو رِتاجٍ[[12]](#footnote-12).**

ای بندگان خدا بدانید که خداوند مراقبان و دیده‌بانانی از جانب خود شما بر شما گماشته است، محافظان راست‌گویی که همه کردار و رفتار شما و نفس‌های شمارا می‌شمارند، بدانید که خداوند از اعضاء و جوارح شما نگهبانانی برای شما قرار داده است.

ملائکه و شاهدان راست‌گویی که ریزودرشت اعمال و زیروبم رفتار و عدد نفس‌های شمارا می‌شمارند و در پرونده‌ای مزبور خواهند داشت، حافظان و نگهبانانی که تاریکی شب‌های تاریک آن‌ها را از نگهبانی شما بازنمی‌دارد، هر چه شما در خفاء انجام دهید از دید این نگهبانان نخواهد افتاد، این نگهبانان خدا را در نظر بگیرید، فردا به امروز نزدیک است، روزها یکی پس از دیگری می‌گذرد و این قافله به مرگ منتهی می‌شود، امروز را مزرعه‌ای برای فردا قرار دهید.

## دوازدهم فروردین، روز جمهوری اسلامی

روز دوازده فروردین روز جمهوری اسلامی است، روزی که مردم با آراء نورانی و بادل‌های پاک و منوّر خودشان به اسلام رأی دادند و پرچم اسلام را در کشور برافراشتند. البته متأسفانه در بحث جمهوری اسلامی و در مباحث سیاسی امروز افراط‌وتفریط‌هایی وجود دارد که باید به هوش بود و نباید به‌سادگی از آن عبور کرد.

در جمهوری اسلامی دو نکته نهفته است که باید در کنار هم باشند، روح و محتوای این نظام اسلامیّت است که به قوانین خدا و به ولایت و رهبری برمی‌گردد و آن مجموعه اسلامیّت که ازنظر سیاسی و اجتماعی مورد تحقق قرار می‌گیرد جمهوریت و آراء مردم است.

ازیک‌طرف متحجّرانی بوده‌اند که به رأی و نظر مردم اعتماد نمی‌کردند و به تحول زمانه و تطبیق آن با متغیّرات اسلام معتقد نبودند و از سوی دیگرکسانی بودند که به اسلام و اسلامیّت اعتقاد نداشتند. امام این دو را جمع کردند، اسلام ظرفی است که در آن جمهوریّت و آراء مردم هم پیش‌بینی‌شده است و قابل‌قبول و احترام است.

جمهوری مفهومی است که به معنای بازگشت انتخاب مسئولان به آراء مردم به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم است. امام در عصر غیبت هم در انتخاب ولایت‌فقیه که با واسطه خبره جمهوریّت و آراء مردم برمی‌گردد و هم در مسئولین دیگر این را تنفیذ کردند و در قانون اساسی قبول کردند که این را اعمال کنند.

اگر جمهوریت به معنای پذیرش آراء مردم در تحقّق اسلام و دیگر کارهای مردم است این قابل قبول است اما اگر طوری معنا شود که مقابل مردم باشد قابل‌قبول نیست.

تأکید امام روی این بود که نظام ایران باید اسلامی باشد و اسلامیّت هم به قوانین اسلام و هم به ولایت رهبری برمی‌گردد اما به‌موازات همین تأکید داشتند که اسلام را باید مبتنی بر افکار عمومی کرد، باید افکار و ایده‌های جامعه و نسل‌های آینده چنان ساخته شود که در آن‌ها اسلام موج بزند.

## نکاتی پیرامون ایام عزاداری امام حسین (ع)

1. ایام عزاداری علاوه بر شور و احساساتی که به خاندان پیامبر و سیدالشّهداء ابراز می‌شود باید برای تبلیغ اسلام و آشنایی نسل جدید با معارف اسلامی و آرمان‌های الهی استفاده شود و تلاش شود که اسلام همان‌طور که است مطرح شود.

همان‌طور که ازنظر عواطف و احساسات باید نسل خود را باعاطفه الهی و به عشق امام حسین (ع) بزرگ کرد ازنظر عقل و فکر و فهم مبانی اعتقادی اسلام و شیعه هم باید به آن توجه شود؛ چراکه بسیاری از نابسامانی‌های اعتقادی و سیاسی به همین امور برمی‌گردد.

1. عزاداری‌ها باید خالصانه و موردقبول باشد، بعضی از عزاداری‌ها در دنیای امروز قابل‌قبول نیست و مراجع و مقام معظم رهبری آن را منع کردند و نباید وجود داشته باشد، عشق و علاقه به خاندان پیامبر باید از راه‌های صحیح و درست باشد، ازنظر شکل عزاداری‌ها، سینه‌زنی و نوع ترتیب مجالس طوری باشد که قابل‌قبول باشد.
2. ازنظر محتوای مداحی‌ها و نوحه‌ها باید واقعاً توجه شود که دروغ نگویند، خلاف واقع در عزاداری‌ها آورده نشود و بی‌توجهی به آن مردم و گاهی نسل جوان و تحصیل‌کرده را از تشیّع زده می‌کند.
3. اختلافات و رقابت‌هایی که بیشتر از حدّ متعارف است گاهی منشأ آبروریزی می‌شود و باید به سمتی رفت که این رقابت‌ها مبدّل به عداوت و دشمنی شود، همه برای امام حسین عزاداری می‌کنند و همه می‌خواهند که این دستگاه باعظمت ولایت و امامت را حفظ کنند.

باید سعی شود که دشمنی و کینه و موضع‌گیری‌هایی که گاهی واقعاً بچگانه است داخل عزاداری‌ها و دسته‌ها نیاید.

1. توجه به شهداء و امام و ارزش‌هایی که برای او روز عاشورا محقق شد باید در سینه‌زنی‌ها و عزاداری‌ها باشد و یاد و خاطره شهداء باید در عزاداری‌ها زنده نگه‌داشته شود.
2. اطعام امام حسین (ع) کار خوبی است، اما باید نظم و برنامه‌ای در کار باشد که به فقراء توجه و رسیدگی بیشتری شود و اگر در اطعامی قرار است اسراف شود کنار گذاشته شود و به یتیم و بی‌سرپرست رسیدگی شود.

1. 1. نهج‌البلاغه، خطبه 156. [↑](#footnote-ref-1)
2. .2. سوره مبارکه الحشر، آیه 18 [↑](#footnote-ref-2)
3. 3. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 61. [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره نساء، آیه 157 [↑](#footnote-ref-4)
5. 4. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 59. [↑](#footnote-ref-5)
6. . البدایة و النهایة، جلد 5، صفحه 53. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 61. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره مبارکه کوثر. [↑](#footnote-ref-8)
9. . نهج‌البلاغه، خطبه 98. [↑](#footnote-ref-9)
10. . میزان الحکمة، دار الحدیث، الطبعة الأولی، جزء 1، صفحة 692. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-11)
12. . نهج‌البلاغه، خطبه 156. [↑](#footnote-ref-12)